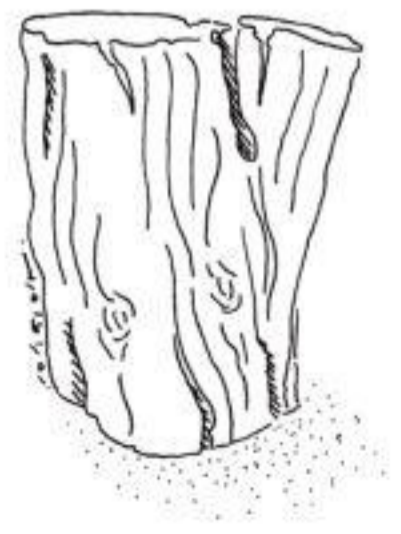


گروه بزرگی تلاش‌های «دایوست مک گیل» در رابطه با بحران «آب‌وهوایی» با این بیان مورد ستایش قرار داده‌اند که: دانشجویان آنچه را که در کلاس درس آموخته‌اند در حل مشکلات زندگی واقعی به کار می‌اندازند تا آینده‌ای بهتر را شکل دهند. آیا همین هدف نهایی تحصیلات عالی نیست؟



وزیر مبنی بر دفاع او از حقوق بومیان مطرح شد زیرا استخراج نفت‌های ماسه‌ای و امتداد خط لوله نفت که قرار است از غرب به شرق کشیده شود تأثیرات تخریب‌کننده‌ای بر زندگی بومیان دارد و حقوق بشر آنها را که در سازمان ملل به عنوان منشور «حقوق مردمان بومی» به تصویب رسیده به شدت خدشه‌دار می‌کند.

بر اساس یکی از تئوری‌های اساسی طرفداران «عدالت آب‌وهوایی» climate justice آن گروه از مردمان که کمترین نقش را در تغییرات آب‌وهوا دارند به نسبت بیش از بقیه گروه‌ها از نتایج این تغییرات متاثر و در عذاب هستند. این همان گروهی است که کمتر از دیگران قدرت انطباق با تغییرات شدید «آب‌وهوایی» را دارد و بیش از هر گروه دیگر آسیب‌پذیر است. این امر سبب ایجاد سبک معیوبی می‌شود که طی آن فقر محیط‌زیستی سبب بی‌عدالتی اجتماعی می‌شود و انسان‌هایی که گذران زندگی‌شان به طور مستقیم از طبیعت تأمین می‌شود باید بیشتر کار کنند و کمتر عایدی داشته باشند. از سوی دیگر بی‌عدالتی اجتماعی از مسیر فشار بیشتر به محیط زیست برای تأمین حداقل‌های زندگی فقر محیط‌زیستی را تشدید می‌کند. «عدالت آب‌وهوایی» بدبختی افسار جانبی، رنگین‌پوستان و بویژه زنان را می‌بیند و با تأکید آن را نشانه می‌رود. «عدالت آب‌وهوایی» سرکوب سیستماتیک نظام استعماری و «دزدی زمین» را در ابعاد تاریخی و امروزی آن می‌فهمد و فعالان این جنبش خود را در کنار جوامعی می‌بینند که در خط مقدم در برابر این حمله قرار دارند.

دیگر اینکه تغییرات آب‌وهوایی سلامت انسان‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. سازمان بهداشت جهانی تعداد مرگ‌ومیرهای متاثر از تغییرات آب‌وهوا را به ۱۴۰ هزار مورد در سال تخمین می‌زند. متخصصان سازمان بهداشت جهانی پیش‌بینی می‌کنند که آمار مذکور تا سال‌های ۲۰۳۰-۲۰۵۰ به ۲۵۰ هزار نفر برسد. در اثر بالا آمدن سطح دریا و خشکی و بیابان‌زایی، تعداد پناهندگان آب‌وهوایی به‌طور غم‌انگیزی در حال افزایش است.

بازخوانی سرمایه‌ها از کمپانی‌های دخیل در تغییرات آب‌وهوایی روی هم‌رفته حرکتی سیاسی است و هدفش نه ورشکستگی مالی این شرکت‌ها بلکه شکست اجتماعی آنهاست. این جنبش که گستره‌ای جهانی دارد تلاش می‌کند تا مشروعیت عمل این کمپانی‌ها را در برابر جامعه زیر سوال برده و مجوز اجتماعی آنها را از ایشان بستاند تا بی‌مکافات به تبه‌کاری ادامه ندهند. برای زمان زیادی لابی‌های کمپانی‌های نفتی در نظام دموکراتیک نفوذ کرده و به آن آسیب زده‌اند. برای مثال قوانین فله‌ای سی-۳۸ و سی-۴۵ حمایت از محیط زیست را تضعیف کردند و نظارت دولتی در توسعه پروژه‌های مربوطه را کاهش دادند. به طوری که امروز تنها ۳ درصد آب‌های قابل شرب کانادا در حفظ و حمایت قانون هستند.

در سال ۲۰۱۵ صنایع نفتی در کشورهای جی-۲۰ بیش از ۴۵۰ میلیارد دلار سوبسید دریافت کردند. کانادا به تنهایی در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۴ تقریباً ۳٫۶ میلیارد دلار به این صنعت هدیه داد، علی‌رغم اینکه طبق مصوبه کشورهای جی-۲۰ در سال ۲۰۰۹ قرار بر این بود که یارانه‌های «غیرموثر» سوخت‌های فسیلی به مرور حذف شود. بخش اعظم این مبلغ برای اکتشاف منابع جدید سوخت‌های کربنی مصرف شده که اگر بخواهیم به سند سی-او.پی ۲۱ پاریس وفادار بمانیم و گرمایش زمین را در مرز ۱٫۵ درجه سانتیگراد نگه داریم. دانشمندان معتقد هستند که اگر قرار است از یک فاجعه جهانی محیط‌زیستی جلوگیری کنیم ۸۰ درصد منابع کشف‌شده نفتی باید دست‌نخورده

باقی‌مانند و توصیه شده است که ۲۰ درصد باقی‌مانده برای دوران گذار از سوخت‌های فسیلی به سوخت‌های بدون کربن استفاده شود.

واقعیت این است که تا امروز بیش از ۵۰۰ موسسه با سرمایه‌های بیش از ۳٫۴ تریلیون دلار به خارج کردن سرمایه‌های خود از صنایع نفتی متعهد شده‌اند. لیست این موسسات از جمله دانشگاه آکسفورد، دانشگاه استنفورد، مجموعه دانشگاه‌های کالیفرنیا کمپلکس، مدرسه عالی اقتصاد لندن، کلیسای انگلستان، و بسیاری شهرهای پیشرو مثل پورتلند، بولدر و ویکتوریا را در برمی‌گیرد. «دایوست‌منت» آیا همان خروج سرمایه‌ها از این عرصه توسط سیاستمداران سرشناسی همچون بان کی مون، و باراک اوباما، و محققانی همچون نوام چامسکی و هنرمندان نامداری همچون لیوناردو دیکاپریو پیش‌بینی شده است. مارک کارنی Mark Carney، رئیس کنونی «بانک انگلستان» Bank of England، و رئیس سابق بانک کانادا هشدار داده‌اند در صورتی که ذخائر سوخت‌های کربنی اجازه استفاده نداشته باشند دارایی‌هایی به گل نشسته در صنایع نفتی ریسک بزرگی برای اقتصاد خواهند بود حتی اگر قیمت نفت دوباره رو به بهبود بگذارد و سرآخر اینکه پاپ فرانسیس بر تعهد اخلاقی نسبت به عمل برای «آب‌وهوا» تأکید کرده است.

بخش بزرگی از مقاومت در برابر درخواست «بازخوانی سرمایه» (دایوست‌منت) پشت بهانه‌ی «وظیفه امانتداری» جبهه می‌گیرد: دانشگاه موظف است از سپرده‌هایش سود مناسبی به دست بیاورد. این در حالی است که هیئت مدیره مثل بسیاری دیگر از تحلیل‌گران مالی سقوط شدید قیمت نفت را پیش‌بینی نکرد. موسسه Corporate Knights به تازگی نتیجه پژوهشی را منتشر کرد که بر مبنای آن اگر دانشگاه مک گیل سه سال پیش و به محض درخواست گروه «دایوست» سرمایه‌های خود را از نفت بیرون کشیده و در یک سبد سرمایه‌گذاری‌اش را از صنایع نفتی آزاد کرده بود سرمایه‌اش امروز ۴۳ میلیون بیشتر از آن می‌بود که الان است. این بدان معناست که استدلال مالی مخالفان «دایوست» از استدلال اخلاقی آنها (وظیفه‌ی امانتداری) ضعیف‌تر بوده و به هیچ‌وجه قابل دفاع نیست.

مدیریت دانشگاه اعلام کرده است که تا تاریخ ۳۰ مه ماه مارس ۲۰۱۶ در باره «بازخوانی سرمایه» (دایوست‌منت) تصمیم خواهد گرفت. این ضرب‌العجل بود که توسط کمپین فارغ‌التحصیلان مک گیل که به جنبش «دایوست» پیوسته‌اند به مدیریت تحمیل شد. بیش از ۲۰۰ فارغ‌التحصیل مک گیل نامه‌ای را خطاب به هیئت مدیره امضاء کردند که در آن تأکید شده دانشگاه سرمایه‌های خود را از صنایع نفتی بیرون بکشد. گروهی نیز اعلام کرده‌اند که اگر در این تاریخ مک گیل با درخواست «دایوست» موافقت نکند آنها مدارک دانشگاهی‌شان را به طور نمادین و در برابر رسانه‌ها به این مک گیل بازگردانند. گروه بزرگی تلاش‌های «دایوست مک گیل» در رابطه با بحران «آب‌وهوایی» با این بیان مورد ستایش قرار داده‌اند که: دانشجویان آنچه را که در کلاس درس آموخته‌اند در حل مشکلات زندگی واقعی به کار می‌اندازند تا آینده‌ای بهتر را شکل دهند. آیا همین هدف نهایی تحصیلات عالی نیست؟

۱- واژه دایوست Invest از جمله به معنی سرمایه‌گذاری به کار برده می‌شود و دایوست Divest در برابر آن قرار گرفته و بازپس کشیدن سرمایه را در نظر دارد. جنبشی به نام Divest نیز در سال ۲۰۰۵ در فلسطین راه افتاد که امروز همچنان توسط طرفداران حقوق فلسطینیان، بویژه در کشورهای غربی، دنبال می‌شود و هدف آن از طرح درخواست بازخوانی سرمایه‌ها از اسرائیل فشار به این رژیم است تا آن را به توقف آپارتاید وادار کند.